

با ایبن مقدمه روز ملی سینما در ایران که مشخص نیست چرا یک روز کاملاً بی‌ربط را به این روز می‌خوانند، فارغ از تبریک‌ها، دورهمی‌ها و نان قرض هم دادن در مصاحبه‌های جورواجور، می‌تواند فرصتی برای تأمل نسبت میان سینما و ملیت، وطن و خیر عمومی باشد. این نسبت دو وجه دارد. وجه ابتدایی همان نکته‌ای است که پیش‌تر بیان شد. هر سینماگری، سینمایش از ناخودآگاهی نشأت می‌گیرد و این ناخودآگاه در هویت ملی‌اش هم ریشه دارد. حتی سینماگری هم که سال‌ها دور از وطن زندگی و کار کرده باشد، جدا شدن کامل از این ناخودآگاه برایش حاصل نخواهد شد. سوی دیگر این نسبت هم این است که سینماگران چطور از ناخودآگاه فراتر می‌روند و هنگامه خلق اثر، به وجه ملی آن می‌اندیشند. اساساً آیا ضرورت دارد که چنین کنند؟ اگر پاسخ به این سوال مثبت باشد، نقطه عزیمت مداخله‌گری‌ای می‌شود که نه‌فقط سینمای ملی‌اندیش را حاصل نخواهد کرد که حتی ضد آن را خواهد ساخت. همان بلایی که دهه‌های اخیر گریبان سینمای ایران را گرفته است و فقط وجه ابتدایی نسبت میان سینما و ملیت مانده است، یعنی سینماگرانی که در بستر هویتی ایران ریشه دارند و از ناخودآگاه فراتر نمی‌روند. کاش فقط این بود، مدت‌هاست با سینماگران



در این تصویر، چهرهٔ علی‌اکبر شهیدزاده، رهبر جنبش «سینما علیه» در کنار چهرهٔ علی‌اکبر شهیدزاده، رهبر جنبش «سینما علیه» دیده می‌شود.

نقد کنند، تا از ایران‌شان محافظت کنند. خیلی ساده است. ساده‌تر از آن چیزی که فکرش را بکنید.

جامعه‌ی ایران سال‌هاست هنر حکومتی را پس می‌زند. هنر حکومتی و سینمای حکومتی، فرسنگ‌ها از سلیقه و خواست مردم جابانه‌اند. ما در وضعیتی قرار داریم که دیگر هیچ کدام از این عبارات (سینمای ملی)، دیگر معنایی برای هیچ‌کس ندارد.

اگر قرار است از «شهروند انقلابی» به «ایرانی‌ملی‌گراومپهن‌پرست» گذر کنید، ایبن را در درجی اول باید با حفظ احترام به آن «شهروند ایرانی» فارغ از هر عقیده، نژاد، قومیت و مذهبی که دارد، انجام دهید. هم سینما در ایران راه خودش را یافته، هم مردم می‌دانند که یک جنایتکار جنگی نمی‌تواند منادی دموکراسی برای کشورشان باشد. ضامن تحقق این امر اما پذیرش شعور توده‌ی مردم در تحقق خواست و اعمال اراده‌ی خود است. ضامن این امر، احترام به ذات دموکراتیک سینماست. مخاطب این حرف‌های من اما ساختار سیاسی نیست. با تمام سادگی آنقدر ساده نیستیم که فکر کنم قرار است از این تابستان در سیاست‌های پست‌وواپس‌فرایانه‌ی ساختار فرهنگی مملکت تغییری ایجاد شود. غرض از اینها صرفاً یادآوری این نکته است که ما برای پاسداشت سینما نیازی به هیچ چیز نداریم، جز خود سینما در ناب‌ترین و رهاترین فرم آن وطنی که بتوانیم در آن هرآنچه می‌خواهیم بسازیم و بگوییم. همین خواست ساده البته بیش از یک‌قرن است از ما دریغ شده، ولی مبارزه ادامه دارد. تحت هر شرایطی و حتی در زمانه‌ای به تاریکی و دهشت‌زمانه‌ی اکنون‌مان.

هنر و سینما می‌مانند... ایران می‌ماند. جز اینها اما همه چیز رفتنی است.

*** نقل قول از آلن بادویو در این یادداشت: از مقاله «سینما مظهر دموکراسی»، ترجمه‌ی صالح نجفی آورده‌شده.**

جشنواره‌ای مواجه هستیم که نه‌فقط به بستر هویتی خود و خیرعمومی فکر نمی‌کنند که حتی از این بستر هویتی استفاده می‌کنند برای فانتزی‌های شخصی / فانتزی‌هایی که نه با بُعد زیبایی‌شناسی سینما نسبتی دارد، نه اساساً در پی خیرعمومی است.

▼ مداخله حداکثری و اضمحلال سینمای ملی

حتماً که مقصر اول و عمده این وضعیت آن ساختار سیاسی مداخله‌گری است که چندین نسل از سینماگران جدی خود را به بیرون از وضعیت رسمی پرتاب می‌کند. سینماگرانی که برای گفتن آنچه در داخل مجال پیدا نمی‌کردند به بدیل‌های بیرون از جغرافیای فرهنگی / سیاسی خود متوسل شدند. بعدتر این رویه شد. سینماگرانی ظهور کردند که به‌جای مهم بودن آن چه می‌خواهند بگویند به‌سمت این رفتند که از همان ابتدا حرفی انتخاب کنند که با ذائقه تصورات اهالی جشنواره از ما خوش بیاید و اگر برای ملت و ملیت سودی نداشته باشد، فانتزی‌های فیلمساز را به واقعیت تبدیل کند. سوی دیگر این مداخله‌گری حداکثری، ایجایی بود. انواع نهاده‌ها برای شکل‌گیری سینمایی که در خدمت گفتمان ساختار سیاسی باشد تشکیل شد تا به‌اصطلاح سینمای ملی را حمایت کند و درنهایت به نهاد توزیع رانت میان حلقه نزدیکان تبدیل شدند. این مداخله باعث شد که از چهره‌ای چون آوینی به سینماگری برسیم که پس از بلعیدن انواع رانت‌ها درنهایت میان اینکه اپوزیسیون و سلب‌یتی باشد یا کماکان فیلمساز سفارشی، مانده است. این وضعیت سینمای ایران را به بدترین دسته‌بندی تاریخ‌اش سوق داد. در بیش از یک‌دهه اخیر عمده فیلم‌ها یا کم‌دی بازاری بودند یا فیلم‌های سفارشی که بیشتر با سلیقه مدیر بودجه‌دهنده تطبیق داشت تا گفتمان ملی و سوی دیگر هم سینمای جشنواره‌ای و فانتزی‌های شخصی فیلمسازان قدیم و جدید.

نتیجه عینی این مسیر و تاثیر ش بر منافع ملی را در

جنگ ۱۲ روزه دیدیم. یک فیلم متأخر برای اینکه پیوند ملی ما را تقویت کند، نداشتیم. فیلم ضدجنگی که چنان پلشتی جنگ را نشان دهد تا عده‌ای از خارج برای آنکه روی سر ما بمب می‌ریخت کف زنند، نداشتیم. سینمای ما که تقریباً در همه جشنواره‌های معتبر یک نماینده دارد، یک فیلم هم در سطح بین‌المللی نداشته تا مردمانی «ایران» را بشناسند و وقتی مورد تجاوز قرار می‌گیریم کوچک‌ترین همدلی‌ای با ما داشته باشند.

▼ سینمای ملی ارگانیک

برای تغییر این وضعیت مهم‌ترین کار دولت و ساختار سیاسی {کاری نکردن} است. اگر قرار است که کاری شود و سینما با بخشی از آن لااقل در خدمت منافع ملی باشد هم باید خود صنف متولی سیاست‌گذاری و حمایت باشد. درست است که صنف سینمایی ایران به چنان بلوغ و وحدت گفتمانی‌ای نرسیده است که حتی بتواند روی یک‌روز برای روز سینما توافق کند، ولی کم‌کارآمدترین صنف مستقل از پرکارآمدترین دولت مداخله‌گر هم وضعیت بهتری می‌تواند برای سینما رقم بزند، حتی با همه اختلاف‌ها و دعو‌هایی که در درون داشته باشند. اگر هم بنا باشد سینماگران تکسینی برای بسط گفتمان ملی و «نه ایدئولوژی گروه‌های خاص سیاسی» تربیت شوند، این کار هم باید که ارگانیک و درون نفی باشد. روزی که سینما به‌معنای واقعی رها شود، هر سینماگری هر حرفی داشته باشد، بتواند آزادانه در کشور بگوید و هر چه دلش بخواهد، بتواند بسازد بدون ترس اکران نشدن حتماً که سینمای ملی هم شکل خواهد گرفت. آن روز فرم‌گراترین سینماگری هم که صرفاً به بُعد زیبایی‌شناسی فکر کند در ناخودآگاهش لااقل به این وطن فکر خواهد کرد. آن روز دیگر سینمای ملی، سینمایی که میان جشنواره خارجی و سینمای دستوری داخل نمانده، خودش برای حیات خودش ناچار است که به سینمای ملی فکر کند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابررای شماره ۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ناصر ناصری فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۳۶۰۸ صادره از تهران شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی درآن به مساحت ۷۳/۱۴ مترمربع پلاک ۲۳۹۵ اصلی مقروز و معجزی شده واقع در بخش ۵ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۲۲ تا تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۷/۶	
امید ملک/ رئیس ثبت اسناد و املاک	

حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
چون برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ منضم به نامه شماره ۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۲۰/۹/۹۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران، تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض آقای بهرام توپسرکانی فرزند صدراله به شماره شناسنامه ۶۵۲۹ با شماره کد ملی ۰۵/۱۴۱۹۶۵۶۴ متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۱۴۴۰۱۴۴۰۱۴۴۰۵۰۰۵۶۴ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۵۰/۵۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۲۲ اصلی واقع در تهران بخش ۵ا تهران محرز شده .لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات اقدامات مقتضی بعدی معمول خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۲۲ تا تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۷/۶	
محمدعلی ابراهیمی/ سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران	

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شیروان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر کلاسه ۱۴۰۴/۱۴۴۰۷۱۱۴۰۵۰۵۳۴۹ و رای شماره ۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴/۰۵/۱۴۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی گیلانی به شماره شناسنامه ۲۷۸ کد ملی ۰۸۲۹۳۱۷۶۵۱ صادره فرزند محمد حسین درشش دانگ منزل به استثناء دو هشتم اعیان بدین صورت که مساحت ۱۱۴/۶ متر جزء پلاک فرعی ۲۹- اصلی ناحیه ۱۱ محل مالکیت مشاعی علی گیلانی (منطبق بر تمام مالکیت وی) واقع در خراسان شمالی بخش ۵ حوزه ثبت ملک شیروان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵ تا تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲	
محمد زارعی- رئیس ثبت اسناد و املاک	

حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران -آگهی فقدان سند مالکیت	
آقایان عباس ضیائی و سعید سلیمی به وکالت از بانو اسکناس احمدی به موجب وکالتنامه شماره ۳۰۵۸۹۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ دفترخانه ۱۲۱۷ تهران با تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق ذیل شماره ۱۶۹۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۹ دفترخانه ۱۲۱۷ تهران اعلام نموده‌اند سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۷۵/۴۸ مترمربع به پلاک ۷۲۵۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران که ذیل ثبت ۳۹۸۳۷ صفحه ۴۷۹ دفتر ۲۱۹ با شماره چاپی ۶۲۴۳۲ به نام نصرت ترابی میرزایی ثبت و صادر گردیده است سپس طبق سند قطعی شماره ۵۲۶۹۶ مورخ ۱۳۴۸/۰۵/۲۲ دفترخانه ۱۴۴ تهران به بانو حشمت ویرثی منتقل و سپس طبق سند قطعی به شماره ۱۳۳۸۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ دفترخانه ۴۵۱ تهران به بانواسکناس احمدی انتقال یافته است. اینک نامبردگان فوق با اعلام فقدان سند مالکیت به علت جابجایی موجب تقاضای شماره ۱۵۸۰۷۷۹۴ مورخ ۰۳/۰۶/۱۴۰۴ درخواست صدور المثنی اسناد مالکیت پلاک مذکور را نموده‌اند، لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت (مصوب ۱/۸/۸۰) مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه شخص یا اشخاص مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد ظرف مدت ده روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این منطقه واقع در تهران خیابان دامپزشکی بعداز تقاطع جیحون اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یافت‌آباد تسلیم و رسید دریافت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و عدم ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.	
خداداد بشیری/ مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران/از طرف حمیده عباسیان	

مجله‌ی هشتمین شماره ۱۴۰۴

مجله‌ی هشتمین شماره ۱۴۰۴

چهره موسیقی

تنبک نواز عصیانگر

درباره بهمن رجبی

که ۳ روز پیش درگذشت



بهمن رجبی، نواز تنبک، درگذشت

بهمن رجبی، نواز تنبک، درگذشت

مسعود شاه‌حسینی، خبرنگار گروه فرهنگ: هفته گذشته بهمن رجبی؛ تنبک‌نواز چیره‌دست و استاد و پژوهشگر موسیقی کشورمان در ۸۵ سالگی و بر اثر عارضه قلبی درگذشت. سومین مرگ در کمتر از ۱۰ روز. بعد از هوشمند عقیلی و ژاکلین دردیان، بهمن رجبی نیز این جهان را ترک گفت. هنرمندی که درباره‌اش می‌گویند، در نواختن تنبک فکور بود و به سبک ابوالحسن صبا، شخصیت متفاوتی به این ساز داد. او هفتم اسفندماه ۱۳۱۸ در رشت و در خانواده‌ای متوسط‌ال‌حال به دنیا آمد. سه ساله بود که در بحبوحه جنگ جهانی دوم پدرش را از دست داد. نوجوان که شد، دنبال موسیقی رفت و به ارزش آن پی برد و ساز تنبک را انتخاب کرد. سازی که او خیلی زود استعداد خدادادی خود را در آن نشان داد. نوازندگی تنبک را نزد اساتیدی چون امیرناصر افتتاح که خود از نوازندگان برجسته دوره پهلوی بود، فراگرفت و هنوز ۳۰ساله نشده بود که وارد فعالیت حرفه‌ای تنبک‌نوازی شد. حرفه‌ای که او دهه ۱۳۵۰ بدان مشغول بود و تا پایان عمرش نیز آن را کنار نگذاشت. رجبی آثار برجسته‌ای هم از خود بر جای گذاشت. او بر جنبه‌های فنی و زیبایی‌شناختی تنبک تمرکز کرد و منابع ارزشمندی برای آموزش این ساز تولید کرد. منابعی که گذشته از خلافت‌نویسان شیوه و اسلوب مدرن‌شان، حکایت از تفکر مستقل و بداهه‌پرداز مؤلف آن داشتند. کتاب‌های آموزش تنبک او چهار سطح داشت که از جمله آنها آموزش تنبک در دو جلد است. رجبی در کتاب «تنبک و نگرشی به ریتم از زوایای مختلف؛ با بررسی ریتم از منظرهای عملی، فلسفی، زیبایی‌شناختنی و ریاضی، به‌نوعی می‌توان گفت جایگاه ساز تنبک را در پژوهش‌های علمی و دانشگاهی تثبیت کرد. این آثار کماکان برای نوازندگان جوان حکم منابع مرجع را دارند. رجبی در تکنوازی و هم‌نوازی تنبک، آثاری ماندگار خلق کرد. هنرمندی که معتقد بود، ساز تنبک دارای عمیق‌ترین قابلیت‌های بیانگری است. در میان آثار او تکنوازی «گفت‌وگوی چپ و راست» با فرید یداللهی، برجسته و رانزد است. عده‌ای این قطعه را نمادی از دیالوگ ریتمیک دست‌های چپ و راست در نوازندگی تنبک می‌دانند. نوازندگی رجبی در آلبوم «سواران دشت امید» با آهنگسازی حسین علیزاده و اجرای گروه شیدا در سال ۱۳۵۵، در زمره شاهکارهای موسیقی معاصر است. او در مجموعه «گلچین یک و دو» با آهنگسازی رضا شفیعیان و علیرضا جواهری همراهی کرد و در «مکتب وزن»، «در مکتب عشق» و «آوای چکاد» که این آخر پاسداشت نیم‌قرن تلاش هنری رجبی بود، نقش آفرینی کرد. بهمن رجبی را می‌توان بنیان‌گذار مکتب نوین تنبک‌نوازی ایرانی دانست؛ پیش از او، ساز تنبک عمدتاً ریتمیک بود و نقش همراه کننده در گروه‌های موسیقی سنتی را داشت. رجبی اما با آثار اجرایی و مکتوب خود و به‌قول علی تجویدی با دست توانای خود، تنبک را به سطحی برابر با سازهای ملودیک رساند و همواره نیز در هر جمع و محفلی از قابلیت‌های تکنوازی، بداهه‌پردازی و بیان فلسفی آن گفت. فقط همین هم نبود. او می‌گفت، باید از ساز تنبک اعاده حیثیت کرد و در این راه خودش دست به‌کار شد و ۱۱ نوع ریز با ضربات ظریف انگشتی جدید، واریاسیون‌های ریتمیک، پلی‌ریتم و تکنیک‌های بدیع ابداع کرد تا قابلیت‌های تنبک در بداهه‌پردازی و بیان مستقل را گسترش دهد. گرچه برخی کارشناسان تنها بر نقش او در تکامل صداده‌ی ساز تأکید دارند. با تلاش‌های او ناصر فرهنگ‌فر، که همگی هم ادامه‌دهنده راه حسین تهرانی و امیرناصر افتتاح بودند، ساز تنبک در موسیقی ایرانی از مهوری درآمد و همین هم باعث شد نسل جدیدی از نوازندگان تنبک به‌موسیقی سنتی ایرانی تزریق شوند. بهمن رجبی، هنرمندی عصیانگر با روحیه‌ای شجاعانه و نگرشی انتقادی بود و همواره خلاف‌جهت حرکت می‌کرد. در طول زندگی‌اش با فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌رو شد و در دهه ۱۳۶۰ نیز چندسال را در زندان گذراند. او به‌صراحت از جریان‌های هنری و فرهنگی انتقاد می‌کرد و درباره برخی استادان موسیقی ایرانی نیز نظرات بحث‌برانگیزی بر زبان آورد که بسیاری را دلخوار کرد. حتی در وصیتنامه معروفش هم که این‌روزها در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شودو در آن نوشته بود: در قطعه هنرمندان دفن نشود. این روحیه سازش‌ناپذیرش مشهود است. بهمن رجبی به‌معنای واقعی کلمه، هنرمندی جسور بود. تنبک در دستانش و در فکر و هنرش ارج یافت و زنده شد. او را نه تکسینی ماهر که باید اندیشمندانی دانست که شاید کم‌ترین توصیف درباره‌اش این باشد که موسیقی ایرانی را غنی‌تر ساخت.